هفت سین و هفتاد هزار امید

<"xml encoding="UTF-8?>

در جست و جوی امید، باید سری به دیرینه جشن ها و اساطیر کهن هر ملت زد و با جستاری چند، به جایگاه امید در این فرهنگ های مصوّر پی برد. چرا که این جشن ها و اساطیر، عموماً پایان فصلی و یا آغاز دگرگونی ای را پاس می نهند. در میان تمام این جشن ها«نوروز» چیز دیگری است، که خاستگاه اصلی آن ایران است و از هزاره های دور، حکایتی است گفتنی که تا بدین روز نیز حرف هایی در دل خود نهان دارد. و تو آن قدر از او درمی یابی که بجویی!
این جشن اساطیر کهن، رفته رفته به دیگر دیارها نیز راه جست و اینک با همین نام و عنوان، بر تارک فرهنگ ملل متفاوت می درخشد. و حال به جاست که پیوندش را با امید نشان دهیم.

نوروز، روز امید
آغاز نوروز، مصادف است با اول ماه و اول سال که این دو، نوید دهنده شادی و نور و نشاطاند، و چه زیبا که این آغاز، مصادف با رویش نیز باشد. اول هر ماه و هر سال، برای آنان که اعتقاد دینی داشته اند، همواره مقدّس و مورد احترام بوده و چه جالب که اسلام نیز این دو را گرامی داشته است. نوروز هنگامی است که روزگار کهن، زندگی را از سر می گیرد و زمانه و آنچه در اوست، نو می شود؛ حیاتی نو در جسم خاک دمیده می شود و درخت، از این حیات بی بهره نمی ماند و سال، راهی نو می پیماید.
ابوریحان درباره نوروز می گوید: «در روز ششم این ماه، نوروز بزرگ است که نزد ایرانیان عید بزرگی است و گویند که خداوندگار در این روز از آفرینش جهان آسوده شد؛ زیرا این روز، آخر روزهای شش گانه است و در این روز، خداوند، مشتری را بیافرید و فرخنده ترین ساعات آن روز، ساعات مشتری است. زرتشتیان می گویند که در این روز، زرتشت توفیق یافت که با خداوند مناجات کند و کیخسرو بر هوا در این روز عروج کرد و در این روز، برای ساکنان کره زمین، سعادت را قسمت می کنند و از این جاست که ایرانیان این روز را «روز امید» نام نهادند».

مقدّمات نوروزی یا حرکت های نمادین
رسوم نوروزی هرکدام حرکتی نمادین اند که در پس نگاه اوّل و گونه ظاهر، دنیای واگو نشده را در دل خود جای داده اند.
دلْ مشغولی مردم در ماه اسفند، سوای دغدغه های روزمرگی، معطوف قدوم بهار نیز می شود. درست مثل بارانی که بر سر هرچیز و هر کس می بارد و از کوی و برزن، تا دشت را شامل می شود! و تو گویی پای احساس بر زمین نگین فرو می رود و تو می مانی که گام برداری یا به تماشا نشینی!
رسومی که با گذشت زمان نه تنها کمرنگ و بی اثر نشد، که هر ثانیه و هر دم و هر سال، استوارتر گردید؛ چرا که جشنی که امید را به مردمان هدیه می دهد، نه چیزی است که بتوان چشم از دیدنش فرو بست و یا لب به

تحسینش نگشود. این مقدمات گرچه در ظاهرِ سخت، زیبا و شکوه انگیزند، اما در عمق، زیباتر و با معناترند.
اینک به تفصیل به این مقدّمات می پردازیم:

1. خانه تکانی

زدودن گرد و غباری که از گذر یک سال حکایت دارد و تعمیر خرابی های جزئی ساختمان ها و نظافت خانه بدان امید که سال نو، سالی باشد خالی از گرد و غبار؛ سالی که در آن، دلِ صاحب خانه نیز بی زنگار کینه و بغض باشد و خلاصه اگر غم و کدورتی وجود دارد در کیسه سال کهنه وانهاده شود. شاید بی ارتباط نباشد اگر بگوییم مراد از خانه تکانی، زودن کینه از زوایای دل است و نیاکانمان امیدها بدین رشته بسته بودند و با آمدن بهار، کدورت های دیرینه به دیار فراموشی سپرده می شد و اگر کدورتی نبود، با خانه تکانی، صاحب خانه به اندیشه فرومی رفت که چگونه جان را دریابم؟ و چگونه هوای دل را داشته باشم؟ مبادا خانه جسم، پاکیزه کنیم و از روح، غافل بمانیم؟!

2. تهیه پوشاک

خرید لباس و کفش از مقدمات نوروزی است و والدین معمولاً خرید را از فرزندان خود شروع می کنند. حتی اگر نتوانند لباس های نو تهیه کنند، جامه های کهنه را سخت تمیز می کنند و بعد مورد استفاده قرار می دهند و با پاکیزگی جامه به استقبال سال نو می روند، بدان امید که سال جدید نیز با تن پوشی پنهانی که شادی و خوشی در آن به ودیعه نهاده شده با آن روبه رو شود. جامه نو را در حالی برتن می کنند که طبیعت نیز تن پوشی نو به تن کرده و این بدان معناست اگر طبیعت، بار دیگر، زایش و رویش از سر می گیرد، ما نیز کم تر از او نیستیم. پس ما هم چونان طبیعت و در دل طبیعت، تن پوش خویش را وامی نهیم و دیگر تن پوشی بر تن می کنیم و در پس این حرکت نمادین، امید آن داریم که رگِ به خواب رفته و فرسوده مان برانگیخته شود و ما نیز سرشار از عاطفه و احساس شویم و راه به تعالی بگشاییم.

3. پهن کردن سفره هفت سین

در واپسین روزهای نوروزی، خانواده ها دست به خرید مقدمات و وسایل سفره هفت سین می زنند. مهم ترین آنها سبز کردن سبزه سفره هفت سین است. کدبانوی خانه با توجه به سلیقه خود، یک یا چند دانه از دوازده دانه خوراکی را سبز می کند. این سبزه حکایت دیگری دارد. به قولی، ما نیز مانند دانه، سبزشونده باشیم. یعنی قابلیت زایش و پویایی را در روح خود نیز بپرورانیم. و بعلاوه، سبزی همیشه نشانه خیر و برکت و امید بوده است. دانه سبز می کردند به امید آن که دانه های آرزو نیز به ثمر نشینند، کشاورزی پر خیر و برکتی داشته باشند و محصول خوبی برداشت کنند. و این همگامی با طبیعت، بی شک، نمادی بسیار زیبا و پرمعناست.

4. شکستن کوزه

رنج و سختی، همواره انسان را در بند می کشد و مردمان در هر زمان و هر جای جهان، برای گریز از آن، به دنبال راهی بوده اند.

کوزه شکستن در آغاز سال نو، حرکتی بود که «امید»، رکن آغازین آن به شمار می رفت. کوزه شکستن دو معنا داشت: یکی آن که رهایی از بند و دیوار بود و دیگری چون به جای کوزه از دست رفته کوزه دیگری می خریدند، این نو شدن کوزه نیز نوعی استقبال از بهار بود.

هفت سین، خوان نوروزی

استاد پورداود این سفره را همان خوانی می داند که خیر و برکت هدیه می آورد. ابوریحان، قدمت این سفره

هفت گانه را از زمان «جم» می داند که چون «جمشید» بر «اهریمن» که راه خیر و برکت و بارش باران و سبزشدن گیاهان و نعمت و فراوانی را بسته بود پیروز شد، دوباره خیر و برکت و نعمت باران و سبزشدن گیاهان، شروع شد و هر کشتزار و شاخه و درختی که خشک شده بود، سبز و بارور گردید. به همین جهت، مردم می گفتند: «روز نو»؛ یعنی روزی نوین و روزی تازه. بر جای جای سفره می نگاشتند: «ابزود = افزود»، «ابزاید = افزوده خواهد شد»، «ابزون = افزونی»، «بردار = ثروت»، «فراخی = خوشبختی».

در پس تمام این نوشته ها «امید» نهفته بود؛ یعنی امیدواریم که چنین و چنان شود؛ اما بعد از سفره، نوبت به ملزومات آن می رسد:

کتاب آسمانی، در زمره چیزهایی است که بر سفره می نهند. رزتشتیان اوستا، یهودیان تورات، مسیحیان انجیل، و مسلمانان قرآن را به عنوان تقدس بر سر سفره می نهند.

این کتاب آسمانی، برکت سفره به شمار می رفت و بدان معنا بود که امیدواریم خداوندگار امسال را نیکو گرداند، ایمان ما را حفظ کند و سال را به بهترین وجه ممکن رقم زند.

نان، نشانه برکت بوده و هنوز نیز چنین است. وجود نان در سفره بدان معنا بود که امید آن داریم که سفره تهی از روزی و برکت نباشد؛ امید آن داریم که خیر و روزی اهل خانواده افزون گردد.

تخم مرغ رنگ شده، از دیگر ملزومات سفره به شمار می رفت و چون حکایت از نطفه و نژاد می کند، به این امید هستیم که در سال نو افزایش زایش داشته باشیم.

آیینه، بر سر سفره و انعکاس نور شمع یا چراغ و سبزه در آن، حاکی از این است که امیدواریم که روحمان چونان آیینه صاف و صیقلی باشد تا هر تصویری را وانمایاند.

چراغ یا شمع افروخته، سر سفره، بدان امید که سلامتی افراد خانواده در سال جدید حفظ شود. ضمناً شمع را فوت نمی کردند؛ زیرا معتقد بودند عمر افراد خانواده کوتاه می شود، بلکه اجازه می دادند تا آخر بسوزد و در صورت اجبار، آن را با دو برگ سبز، خاموش می کردند. امید و باورشان این بود که چراغ نشانه سلامتی و روشنایی و طول عمر است.

و اما هفت سین، که دکتر بهار معتقد است که این هفت سین ارتباط با هفت سیاره ای دارد که به گمان انسان های قدیم، سرنوشت بشر در دست آنها بوده و تصوّر می شد که اگر کسی هر هفت را در اختیار داشته باشد، یعنی نظر لطف هفت سیاره را به خود جلب کند، خوش بخت می زید.

سمنو و سنجد: که نشانه عشق، زایش و تولّد است، بدان امید که در سال جدید، عشق فزونی یابد و تولّد و زایش افزون گردد.

سکّه: خصوصاً ترجیح می دادند که سکّه ضرب سال را بر سر سفره نهند؛ چرا که سکه های تازه، نشان برکت و دارندگی و ثروت است. بدان امید که جیبشان خالی نشود و برکت از زندگی آنها بیرون نرود.

سیب: که راز و رمز آن عشق است و زایش و نمودی از هدیه الهی به بنده. سیب بر سر هفت سین می نهند تا مورد لطف خدا قرار گیرند و از رزق و روزی بهشتی نصیبشان شود و دوستی خدا شامل حالشان.

سبزه: یکی از هفت سین به شمار می رود که قبلاً در این باره سخن گفتیم.

سیر: که جزء سبزیجات است و حکایت از تن درستی و سلامت دارد. خود سیر نیز دارای خواص درمانی بی شماری است، بدان امید که بلا و بیماری از خانه و کاشانه شان دور شود. و امیدوار بودند که با تحویل سال، بلا نیز از منزلشان رخت بربندد و در سال جدید، همراه با صحت و سلامت باشند.

سنبل: گلی است زیبا که با بهار و آمدن بهار می روید و آن را به عنوان نماد آمدن بهار بر سر سفره هفت سین می گذارند. بدان معنا که بهار آمده و ما امید آن داریم که ما نیز بهاری شویم.
و البته دیگر ملزوماتی که امروزه خبری از آنها نیست.
و خلاصه این هفت سینی بود که هفتادهزار امید، در دل آن جای داشت.

شش روز آفرینش در قرآن

اما در کتاب آسمانی خود نیز به شش روز آفرینش برمی خوریم: سوره اعراف آیه 54؛ سوره یونس آیه 3؛ سوره هود آیه 8 و سوره های فرقان و سجده و قاف که در هر شش جا، آیه ها به یکدیگر بسیار نزدیک هستند. خداوند در سوره اعراف آیه 54، می فرماید:
إِنَّ رَبّکُمُ اللّهُ الَّذی خَلَقَ السَّمواتِ وَالارضِ فی سِتَّةِ أیّامٍ ثُمَّ اسْتَوی عَلَی العَرْشِ؛
به درستی که پروردگار شما آنچنان خدایی است که آفرید آسمان ها و زمین را در شش روز، سپس بر تخت جای گرفت.
بر تخت نشستن یا در تخت جای گرفتن حضرت دوست، بعد از روز ششم بود. علامه مجلسی در بحارالأنوار (کتاب السماء والعالم)، از امام جعفر صادق (ع) یاد می کند که فرموده است: جشن نوروز برای آفریده شدن آدمیان است. و شاید امتیازی که برای ایرانیان متصور است آن است که به حول و قوّه الهی زودتر از بقیه ملل به این مهم پی بردند.
پس در این روز که خداوند دست به آفرینش انسان و جهان زد، مقدّر فرمود تا میان بندگان، امید تقسیم کنند. معلی بن خنیس، به نقل از امام صادق (ع) می گوید، که امام فرمود: «نوروز از عهد قدیم است. روزی است که در عالم ذر، خداوند از بندگانش پیمان گرفت که او را بپرستند و مشرک نشوند و به پیامبر و حجج وارسته ایمان آورند. روزی است که آفتاب تابید و هوا که موجب حیات است، وزیدن گرفت. روزی است که کشتی نوح بر زمین نشست. روزی که جبرئیل بر پیامبر نازل شد. روزی است که ابراهیم بت ها را شکست. روزی است که علی (ع) بر دوش رسول بت ها را به زیر آورد. روزی است که پیامبر فرمود: با علی بیعت کنند. روزی است که قائم ظاهر می شوند و بر کافران غالب می شوند».
پس نوروز، روزی است که خیر و برکت از آسمان بر زمین و اهل زمین ارزانی شده و خداوند، درهای رحمتش را به سوی زمینیان گشوده و بدین جهت، با هر حرکتی که جنبه نمادین دارد، هزاران هزار امید را نقش و تصویر می کنند؛ اما بی شک، زیباترین تجلی امید در آداب و سنن ایرانی اسلامی ما، دعای تحویل سال نو است:
یا مُقّلِبَ القُلُوبِ والأبصار
یا مُدَبِّرَ اللَّیلِ وَالنَّهار
یا مُحَوِّلَ الحَوْلِ وَالأحوال
حَوِّل حالَنا إلی أحْسَن الحال
ای گرداننده دل ها و دیدگان!
ای پدیدآورنده روزها و شب ها!
ای تغییر دهنده سال ها و حالات بندگان!
حال ما را به بهترین حالات تغییر ده!

یعنی امید آن داریم که ما را دریابی! امید آن داریم که حال ما را تغییر دهی؛ نه تنها به صورت نیکو که به بهترین وجه ممکن! و این یعنی امیدی که بی شک، بی پاسخ نخواهد ماند.

پس سخن به گزافه نگفته ایم اگر که بپنداریم هفت سین، هفتادهزار امید دلْ شده دارد.

مآخذ

1 - جشن نوروز و جشن آفرینش باستان آدمیان، مراد اورنگ، تهران: بی نا، 1351.

2 - جشن های ایران باستان، مراد اورنگ، تهران، بی نا، 1325.

3 - جشن ها و اعیاد ملی و مذهبی در ایران، حبیب اللّه بزرگ زاد، انتشارات نگارنده، تهران، 1350.

4 - پژوهشی در اساطیر ایران، مهرداد بهار، جلد 1، انتشارات توس، تهران 1362.

5 - جستاری چند در فرهنگ ایران، مهرداد بهار، چاپ دوم، انتشارات فکر روز، تهران 1374.

6 - فرهنگ ایران باستان، ابراهیم پورداود، بخش نخست، انتشارات دانشگاه تهران، 1355.

7 - لغت نامه، علی اکبر دهخدا، جلد 14، دانشگاه تهران، 1373.

8 - نوروز در اسلام، شهرستانی، ترجمه: علی کاظمی، نشر اعلمی، 1354.

9 - فرهنگ مردم، سیدعلی میرنیا، انتشارات پارسا، تهران، 1369.

10 - آداب و رسوم نوروز، مرکز مطالعات فرهنگی، تهران، 1379.